خبر

بانک مرکزی: شیب افزایش قیمت مسکن تُند شد

• روند متوسط قیمت هر مترمربع واحد مسکونی معامله‌شده در سطح شهر تهران نشان می‌دهد متوسط قیمت هر مترمربع در اردیبهشت ۱۳۹۸ با شیب نسبتا تندی افزایش یافته (نرخ رشد ۱۲.۵ درصد) که در یک سال اخیر بی‌سابقه بوده است.به گزارش تسنیم، معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران با استفاده از آمارهای ارائه‌شده بانک مرکزی قیمت و تعداد معاملات مسکن در اردیبهشت را بررسی کرد.

براساس‌این در اردیبهشت سال جاری، تعداد ۱۲هزارو ۱۲۸ واحد مسکونی در شهر تهران معامله شده است که این تعداد در مقایسه با فروردین حدود ۳.۵ برابر شده است؛ اما هم‌زمان در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، کاهشی حدود ۳۶.۵ درصد را تجربه کرده است.متوسط قیمت هر مترمربع واحد مسکونی در شهر تهران در اردیبهشت نیز ۱۲میلیون‌و ۶۷۳ هزار تومان بوده که در مقایسه با فروردین، ۱۲.۵ درصد افزایش را نشان می‌دهد؛ اما در مقایسه با ماه مشابه سال قبل، بیش از دو برابر شده است.این گزارش نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۷ تاکنون بیشترین تعداد معاملات واحدهای مسکونی شهر تهران، مربوط به اردیبهشت ۱۳۹۷ بوده که ۱۹هزارو ۱۰۷ معامله را شامل می‌شود. بااین‌حال با افزایش قیمت مسکن، روند نزولی تعداد معاملات از آن زمان آغاز شده و تا دی ۱۳۹۷ ادامه داشته است.با نزدیک‌شدن به پایان سال، روند مزبور در بهمن و اسفند ۹۷ معکوس شده؛ اما در فروردین ۱۳۹۸ با افت چشمگیری همراه بوده است. گرچه در اردیبهشت ۹۸، رشد تعداد معاملات اتفاق افتاده و تقریبا به سطح اسفند ۱۳۹۷ رسیده است.روند متوسط قیمت هر مترمربع واحد مسکونی معامله‌شده در سطح شهر تهران نشان می‌دهد متوسط قیمت هر مترمربع در اردیبهشت ۱۳۹۸ با شیب نسبتا تندی افزایش یافته (نرخ رشد ۱۲.۵ درصد) که در یک سال اخیر بی‌سابقه بوده است.

ادامه از صفحه ۴

بازداشت مدیرعامل فراری بانک سرمایه در اسپانیا

در بخش خصوصی افراد به اندازه سخنران و میهمان حضور پیدا کردند، اما در آنجا نیز بنده نقش متحول‌کننده فضا را نداشتم؛ لذا از اتهام معاونت در اخلال ناراحتم و تنم می‌لرزد. دلاویز در ادامه به توضیح روابط خود با متهمان دیگر پرداخت و در انتها گفت: آقای قاضی می‌دانم حاشیه روی شما تاثیر نمی‌گذارد، اما خواهش می‌کنم بنای تشکیل این دادگاه را که بر اساس فرمایش مقام معظم رهبری و به صورت ویژه است مدنظر قرار دهید. از محضر دادگاه تقاضای برائت دارم و می‌خواهم هر تشخیصی در مورد من دارید در کنار آن، فرصت جبران خطاهایم را بدهید. نماینده دادستان در واکنش به دفاعیات این متهم گفت: ما گردش حساب آقای دلاویز را در بانک ملی قبل از سال ۹۲ و بعد از آن استخراج کردیم که نشان می‌دهد بالاترین واریزی قبل از سال ۹۲، ۲۴ میلیون و ۵۰۰ تومان بوده، اما بعد از سال ۹۲ گردش دو حساب بانک ملی آقای دلاویز ۳۰ میلیارد تومان بوده است. نماینده دادستان در بخش دیگری از سخنانش گفت: آقای رضوی اعلام کرد که دو میلیارد به آقای دلاویز بابت سریال شاهگوش داده است.

متهم رضوی پاسخ داد: بنده گفتم بابت تبلیغات به آقای امامی داده‌ام، دلاویز تبلیغات سریال شاهگوش را انجام نداده، بلکه در سریال شهرزاد انجام داد. ما با آقای دلاویز قرارداد نداریم و با آقای امامی قرارداد داریم. نماینده دادستان ادامه داد: آقای دلاویز، امامی و آرمان علمایی شرکت نفت و گاز سرمایه را تأسیس می‌کنند و قراردادهای قیری با شرکت آتیه صبا تحت اشراف آقای حیدرآبادی و شرکت قیر پاسارگاد منعقد می‌کنند، درحال‌حاضر رسید پذیرش اینترنتی این شرکت را به بنده ارائه داده‌اند.

پرداخت میلیاردی به نام آبدارچی و پیک موتوری

قهرمانی خطاب به متهم دلاویز گفت: شما باید توضیح دهید که چرا اشخاصی مانند آقای حیدرآبادی‌پور را مدیرعامل بانک سرمایه کرده‌اند.

متهم دلاویز گفت: حیدرآبادی‌پور آخر دی‌ماه ۹۴ مدیرعامل شد و بنده برای فیلم پیامبر (ص) از شهریورماه برای جشنواره کانادا اقدام کردم. بنده بهمن و اسفند اصلا ایران نبودم و در سال ۹۲ استعفا دادم. نماینده دادستان ادامه داد: اگر آقای رضوی بابت تبلیغات سریال شاهگوش مبلغی را به آقای امامی داده‌اند، چرا در وجه آقای قادری پرداخت شده است؟ متهم رضوی گفت: بابت تبلیغات بوده است که اصولا به آن می‌گویند حق‌المشاوره. قاضی مسعودی‌مقام گفت: شما که می‌گویید آقای قادری پیک موتوری بوده است. متهم رضوی پاسخ داد: بله، هم کار پیک و هم کارهای آبدارچی را می‌کرد و گاهی کارهای گل‌آرایی مراسم ختم را هم انجام می‌داد. قاضی مسعودی‌مقام پس از اخذ این دفاعیات ختم جلسه را اعلام کرد و گفت: جلسه بعدی دادگاه امروز ۹ صبح برگزار خواهد شد.

کمال اطهاری در گفت‌وگو با «شرق» از علت رشد صد در صدی قیمت مسکن در تهران پرده برداشت

سوداگری بانک‌ها در بازار مسکن با معاملات صوری

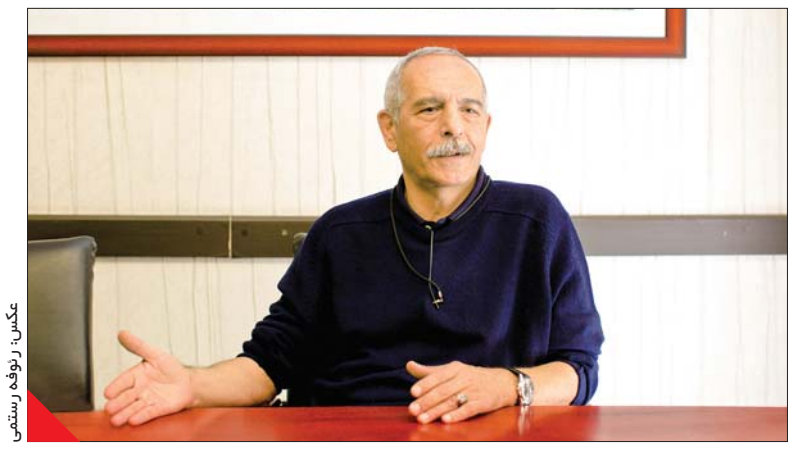

عکس: رئوفه رستمی

شکوفه حبیب‌زاده: وقتی قیمت هر متر مربع مسکن در شهر تهران از سوی بانک مرکزی اعلام شد، منطقه یک، رکورددار افزایش قیمت تا هر متر مربع ۲۶ میلیون تومان بود؛ آماری که افزایش قیمت مسکن تا صد درصدی را نشان می‌داد. کمال اطهاری، کارشناس اقتصاد توسعه و مسکن در گفت‌وگوی خود با «شرق» از علت این افزایش قیمت پرده برمی‌دارد. به گفته او، معاملات صوری بانک‌ها در بازار مسکن، بازار را چنان تکان داد که با افزایش نسبت بهای مسکن در شهر تهران به ۲۰برابر درآمد سالانه خانوار روبه‌رو شدیم. او می‌گوید بانک‌هایی که در شهر تهران سرمایه‌گذاری کرده‌اند به دنبال بالابردن سهام خود برای فروش آن به دولت (بانک سپه) بودند. اطهاری با ارائه آماری می‌گوید: «در حال حاضر، ۵۰۰ هزار واحد مسکونی در سطح شهر تهران و پیرامونش خالی است. متوسط قیمت این خانه‌ها با متوسط زیربنای ۱۰۰مترمربع و هر متر مربع ۱۱میلیون تومان، ۵۵۰هزار میلیارد تومان خواهد شد که با دلار ۱۰هزار تومانی، ۵۵میلیارد دلار می‌شود. با در نظر گرفتن افزایش ۱۰۰درصدی قیمت، رانت ایجادشده از آن، حدود ۲۲.۵ میلیارد دلار خواهد بود. حالا این میزان رانت را می‌خواهند به دولت (بانک سپه) بفروشند. این بانک‌ها، همان‌هایی هستند که معاملات صوری کرده‌اند. اگر قیاس کنیم، سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی چیزی حدود ۱۵میلیارد تومان بیشتر است و در بخش صنعت حدود ۶۰، ۷۰ میلیارد تومان؛ یعنی رانتی که در عرض یک سال در این بخش تولید شده، حدود چهار برابر کل تشکیل سرمایه در بخش مولد است».

ارزیابی شما از تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دولت در زمینه مسکن و زمین چیست؟

تیم اقتصادی دولت آقای روحانی از ۱۳۶۸ اقتصاد ایران را به‌اصطلاح اداره می‌کند و در واقع اقتصاد ایران را به نابودی می‌کشاند. در نقدها و واکنش‌هایی هم که صورت می‌گیرد، دولت بر سر مخالفان سنگ و قیر داغ می‌ریزد. کنارگذاشتن دکتر حسین عظیمی از سازمان برنامه نیز که در همان دهه اتفاق افتاد، نگاه آنها را نشان می‌دهد. برای توصیف وضعیت اشاره‌ای به خاطره و مکالمه‌ای که با آقای روغنی‌زنجانی، رئیس سازمان برنامه وقت، داشتم، می‌کنم. آن زمان من در سازمان برنامه در بخش عمران شهری و مسکن کار می‌کردم، گزارشی نوشتم به نام سیاست زمین در ایران که هنوز در سازمان برنامه موجود است. آن زمان معاونت زیربنایی که بخش مسکن هم در آن جای داشت، برعهده آقای شریف‌زادگان بود و پس از آن دوره بود که تلاش‌ها برای بازارسپاری جامعه در دستور کار قرار گرفت. دوران پنج‌ساله دوم قانون زمین شهری در حال به‌سرآمدن بود و با اختیارات ویژه عملیاتی می‌شد. مضمون گزارش من این بود که به بازارسپاری زمین در هیچ جای دنیا وجود ندارد؛ زیرا مالکیت خصوصی بر زمین، اقدامی انقلابی است و ما نیز باید از این نظام قانونی بهره بگیریم و به جای تحدید مالکیت، مالکیت را مشروط به حق تقدم خرید (حق شفعه در شرع) کنیم. این رویکرد در تمام کشورهای سرمایه‌داری رواج دارد. در معنای دیگر، وقتی زمین شهری که بر اثر فعالیت جمعی و با مشارکت عموم، آباد شده و فرد در یک تکه زمین سهم دارد، اگر هر کسی بخواهد سهامی را که از این زمین دارد، به غیر بفروشد، فرد سهام‌دار، حق تقدم دارد. درباره زمین شهری هم در همین قالب، شهروندان شهر در زمین شهری حق دارند و این حق را به شهرداری تفویض کرده‌اند. اگر مالک خصوصی بخواهد زمین را بفروشد، باید اول به شهرداری اعلام کند. اگر شهرداری طبق طرح شهری آن را نیاز داشت، موظف است به شهرداری واگذار کند، مگر اینکه شهرداری به آن زمین نیازی نداشته باشد. براساس‌این تاکید کردم مالکیت مشروط است؛ زیرا زمین در اقتصاد نئوکلاسیک مانند کالایی است که درباره آن، شکست بازار رخ می‌دهد؛ زیرا قابل جابه‌جایی نیست و شما نمی‌توانید مثل بقیه کالاها آن را حمل کنید. زمین را با خدماتی که دانشگاه و مترو و بیمارستان داشته باشد، نمی‌توانید جابه‌جا کنید؛ به‌همین‌خاطر شکست بازار رخ می‌دهد. وقتی این موضوع را مطرح کردم، در سازمان برنامه سوسیالیست خطاب شدم. آنها تاکید داشتند که ما باید زمین را به بازار بسپاریم. من به آقای روغنی‌زنجانی گفتم ملی‌کردن زمین جزء وظایف انقلاب کبیر فرانسه بود، نه انقلاب کبیر روسیه؛ چون سرمایه‌داری با رانت مقابله می‌کند و رانت سرمایه‌داری را نابود می‌کند. در واقع سرمایه‌داری، فئودالیسم را سرنگون کرد که رانت را از بین ببرد. به آنها هشدار دادم که این اقدام بازگشت رانت به زمین است؛ اما این کار را انجام دادند.

این اقدام منشأ تفکر تراکم‌فروشی در کشور بود؟

بله. این اقدام پیش‌درآمد گفتمان تراکم‌فروشی در کشور بود؛ یعنی نه‌فقط شهرداری از حقوق مردم با حق تقدم خرید وارد امر حقوقی نشد؛ بلکه حقوقی را که مردم بر طرح جامع داشتند، هم به فروش گذاشت؛ یعنی قانون‌فروشی کرد. ریشه مشکل از همان‌جا آغاز شد و اندک‌اندک بر این ناهمگونی افزوده شد و به این غایت رسید. کسانی که به‌ویژه در چند سال اخیر در دولت آقای احمدی‌نژاد و در دولت آقای روحانی، هر دو بر کژکارکردی‌ها به‌شدت افزودند، تفاوت ماهوی نداشتند. همان‌طور که آقای احمدی‌نژاد طرح جامع مسکن را کنار گذاشت، این دولت هم بازنگری طرح جامع مسکن را کنار گذاشت. سند ملی توانمندسازی بود که با بوق و کرنا با نام بازآفرینی دنبال کردند. ابتدا که می‌خواستند در زمان بازنگری طرح جامع مسکن این کار را انجام دهند، به آقای ایزدی گفتم این آخرین کاری است که باید انجام دهید؛ چون براساس ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و ستادهایی که تشکیل شده و قانون‌هایی که براساس آن نوشته و نهادهایی که برمبنای آن ارائه شده، اگر نام را عوض کنید، همه روی هوا خواهد بود؛ درحالی‌که اکنون به نهادسازی نیاز داریم. در رأس این نهادسازی‌ها، بانک‌پذیرکردن مردم به‌ویژه در سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های فرسوده است. مقوله محله‌محوری، سازوکارهای نهادی مالی و تشکیل تعاونی‌های مسکن و احیای این تعاونی‌هاست. تعاونی مسکن در دوره وزارت وزیر مسکن، آقای عبدالعلی‌زاده نابود شد. درهرحال، این موارد را در دستور کار قرار دادیم. بعد از مدتی پافشاری تقریبا من از حضور در وزارت مسکن منع شدم و نام بازآفرینی شهری را جایگزین سند ملی توانمندسازی جایگزین کردند. نگاه حاکم در تیم اقتصادی بر این اساس بود که نهادگراها کمونیست‌های رقیق‌شده هستند و از طرف دیگر در وزارت مسکن سخنرانی می‌گذاشتند که نهادگراها کارگزار بانک جهانی هستند. با ادامه این اقدامات، برنامه جامع مسکن کنار گذاشته شد و به تراکم‌فروشی و بسازبفروش‌ها، اسم توسعه‌گر دادند تا وام ارزان بدهند. با این کار، در واقعیت، محله‌محوری را منحل کردند؛ اما اسمش را نگه داشتند و هر اقدامی را که در طرح جامع مسکن در محله صورت می‌گرفت و در نظام به‌هم پیوسته بود، تکه‌تکه کردند. این آشوب که در بخش مسکن می‌بینید، از طرف دولت است.

درحال‌حاضر، ۵۰۰ هزار واحد مسکونی در سطح شهر تهران و پیرامونش خالی است. متوسط قیمت این خانه‌ها با متوسط زیربنای صد مترمربع و هر مترمربع ۱۱ میلیون تومان، ۵۵۰ هزار میلیارد تومان خواهد شد که با دلار ۱۰ هزار تومانی، ۵۵ میلیارد دلار می‌شود. با درنظرگرفتن افزایش صددرصدی قیمت، رانت ایجادشده از آن، حدود ۲۲.۵ میلیارد دلار خواهد بود

آیا فقط این دولت است که فضای مسکن را به هم زده و دست‌های دیگری در کار نیست؟

از طرف دیگر بالابردن قیمت مسکن ازسوی بانک‌هایی است که معاملات صوری می‌کنند. این اقدام را غول بورژوازی مستغلات رانتی که تیم اقتصادی سازنده از زیر زمین درآورد، در کشور انجام داد. بخشی صندوق‌های قرض‌الحسنه ورشکسته بودند، بخشی از این بانک‌ها مستقیما به نیروی انتظامی یا نظامی وابسته هستند و اکنون نیز می‌خواهند در بانک سپه ادغام شوند و از آنجا که می‌خواهند سهامشان بالا برود، منطقه ۲۲ تهران را با معاملات صوری، گران کرده‌اند.

رانت ایجادشده از این معاملات صوری چقدر است؟

در حال حاضر، ۵۰۰ هزار واحد مسکونی در سطح شهر تهران و پیرامونش خالی است. متوسط قیمت این خانه‌ها با متوسط زیربنای صد مترمربع و هر مترمربع ۱۱میلیون تومان، ۵۵۰هزار میلیارد تومان خواهد شد که با دلار ۱۰هزار تومانی، ۵۵میلیارد دلار می‌شود. با درنظرگرفتن افزایش صد درصدی قیمت، رانت ایجادشده از آن، حدود ۲۲.۵میلیارد دلار خواهد بود. حالا این میزان رانت را می‌خواهند به دولت (بانک سپه) بفروشند. این بانک‌ها، همان‌هایی هستند که معاملات صوری کرده‌اند. اگر قیاس کنیم، سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی چیزی حدود ۱۵میلیارد تومان بیشتر است و در بخش صنعت حدود ۶۰، ۷۰ میلیارد تومان؛ یعنی رانتی که در عرض یک سال در این بخش تولید شده، حدود چهار برابر کل تشکیل سرمایه در بخش مولد است. این اقتصاد نئوفئودال است که ایجاد شده است. این اقتصاد از بخش مسکن آغاز شده است. بخش مسکن قفل شد و کل اقتصاد را هم قفل کرده است. اگر این رانت یک‌ساله به بخش مولد برود، تشکیل سرمایه بخش مولد دو برابر می‌شود. تصور کنید چه بلایی سر اقتصاد آورده‌اند!

آیا با برنامه‌ریزی درست در بخش مسکن، فرضا با احیای طرح جامع مسکن، این روند اصلاح می‌شود؟

اینجا باید به نکته‌ای توجه کنید. وقتی چنین اتفاقی افتاد شروع کردند به زیرسؤال‌بردن طرح جامع مسکن کشور و طرح جامع شهر تهران که بر پایه دانش‌پایگی نوشته شده بود و این رانت را با برنامه‌ریزی‌های اشتباه و شاید با برنامه! ایجاد کردند. شرکت‌های مشاوری را هم که با این فرایند مقابله می‌کردند، خلع ید کردند. خیلی از شرکت‌های مشاور که مقاومت کردند، اکنون ورشکسته شده‌اند. با این رانت، نشریه درمی‌آورند و در دولت و شهرداری جلسه می‌گذارند. اینجاها، سنگرهایی است که در شهرداری (با وجود اینکه شهرداری کنونی با تراکم‌فروشی به‌صورت جدی مخالف است) این کار را تکرار می‌کنند و به‌تدریج می‌خواهند به مواضع اصلی برگردند. تهران بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۹۰، ۳۰۰ هزار شغل را از دست داد، درحالی‌که ۳۰۰ هزار نفر بر جمعیتش افزوده شد. آن زمان بهای مسکن ۱۲ برابر درآمد سالانه خانوار بود، اکنون با جهشی که قیمت مسکن داشته (در واقع جهاندن صوری قیمت مسکن) نسبت بهای مسکن به درآمد سالانه خانوار به ۲۰ برابر در شهر تهران رسیده است، درصورتی‌که حد قابل قبول، حداکثر پنج برابر درآمد سالانه خانوار است. یعنی بهای یک مسکن متعارف نسبت به درآمد سالانه یک خانوار متوسط اگر پنج برابر باشد، اقتصاد سالم را نشان می‌دهد و نمایانگر آن است که رانت بر بخش مسکن حاکم نیست و سلامت بازار مسکن و کل اقتصاد کلان را نشان می‌دهد. این را ۳۰ سال قبل با استناد به تجربه جهانی ثابت کردم. اکنون ویرانه‌ای را در قالب ایران‌مال می‌سازند و اعلام می‌کنند که در آن، ۲۲هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری شده است و حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار مترمربع زیربنا دارد. در واقع هر مترمربع تجاری در تهران حدود ۶۰ میلیون تومان است. اگر سرمایه‌ها به این بخش‌های تجاری جذب شوند، این هم چندین برابر تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی به علاوه صنعت و معدن خواهد بود. روشن است که این بخش رانتی نمی‌خواهد اقتصاد دانش‌بنیان در شهر تهران ایجاد شود. روشن است با چه شدت و حدتی سعی می‌کنند حوزه عمومی و رسانه‌ها را تحت تأثیر قرار دهند و با انواع برچسب‌ها، همان‌طورکه صوری قیمت را بالا می‌برند، یک پرده نازک روی کارشان بکشند و پشت پرده «آن کار دیگر» کنند. حالا چیزی از اقتصاد ایران نمانده که بخواهند بر باد دهند، آن هم در شرایط اقتصاد جنگی. بهای مسکن را در شرایط اقتصاد جنگی به‌زور هم که شده متوقف می‌کنند که شرایط برای جامعه تاب‌آور باشد. با چه بی‌رحمی این کار را با رانت‌جویان انجام دادند و دولت هم واقعا نظاره‌گر یک بازی در این ماجرا شده است. دولتی که می‌خواهد از پس یک ابرقدرت با توان اقتصادی و نظامی مثل آمریکا بربیاید، چرا نمی‌تواند از پسِ غولی که از زیر خاک درآمده بربیاید و بخش‌های مولد را از دست این غول آزاد کند. مگر بخش‌های مولد سرمایه‌داری نیستند؟ تنها سرمایه‌داری که دولت و اعوان و انصار و به‌اصطلاح روشنفکران بورژوازی مستغلات می‌شناسند، همین رانت‌خواری است.

بازتاب

واکنش آب منطقه‌ای گیلان به یک گزارش

بازگشت به درج مطلبی با عنوان « ساخت ۷ سد بدون مجوز» به تاریخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۰ شماره ۳۴۴۶ صفحه ۴ و ۶ آن روزنامه محترم توضیحات ذیل ارسال می‌شود.

سدهای لاستیکی همانند بندهای انحرافی کوچکی است که در گذشته در سطح رودخانه‌های استان به تعداد زیادی احداث شده است. در واقع این سدها دارای پی سطحی بوده و انتخاب محل احداث آنها عمدتا تابع نیازهای آبی، محل استفاده از آب، کمیت و کیفیت آب مورد تقاضا است. همچنین وضعیت مورفولوژی رودخانه شامل شیب و مقاطع عرضی و مسائل حقوقی و اجتماعی نیز در انتخاب محل احداث مؤثر است. اهداف اصلی احداث سدهای لاستیکی به شرح زیر است:

-تأمین آب موردنیاز اراضی مجاور، -بهبود شرایط موجود بستر رودخانه و ایستگاه‌های پمپاژ، -تغذیه آبخوان، -پیشگیری از ورود آب شور دریا

پیرامون مطلب اشاره‌شده مبنی بر عدم دریافت مجوز برای ساخت ۷ سد لاستیکی از سازمان جنگل‌ها و مراتع باید توجه نمود که بر اساس قوانین و دستورالعمل‌های ابلاغی موجود ساخت سدهای کوتاه با ارتفاع کمتر از ۱۵ متر یا مساحت دریاچه کمتر از ۴۰۰ هکتار، نیازی به اخذ مجوز زیست‌محیطی وجود ندارد (مصوبه شورای عالی حفاظت محیط زیست در خصوص تعیین طرح‌ها و پروژه‌های مشمول انجام مطالعات ارزیابی زیست‌محیطی به شماره ۴۵۸۸۰/۱۴۴۴۷۹ مورخ ۱۳۹۰/۰۷/۲۰). همچنین ذکر این نکته لازم است که مطالعات سدهای لاستیکی در استان گیلان از دهه ۸۰ و عملیات اجرائی آنها از سال ۱۳۹۱ شروع شده و طرح هفت سد لاستیکی نیز از سال ۱۳۹۴ یعنی ۴ سال پیش از کلنگ‌زنی سد لاسک، اجرائی گردیده است.

در پاسخ به اظهارنظر دکتر کامران داوری، عضو هیئت‌علمی دانشگاه فردوسی مشهد مبنی بر تأمین آب بیشتر با احداث سدهای لاستیکی و کسب درآمد از طریق فروش آب باید توجه نمود که بیش از ۷۰ درصد از بارندگی استان گیلان خارج از فصل کشت بوده و از دسترس خارج می‌شود. احداث بندهای کوتاه یکی از روش‌های متداول و کاربردی است که برای مدیریت بارش‌ها در فصل کشت مورداستفاده قرار می‌گیرد و برای این منظور بندهای لاستیکی که به سدهای لاستیکی معروف شده‌اند، دارای سازگاری بیشتری با محیط زیست می‌باشند. در استان گیلان بندهای لاستیکی به‌منظور تثبیت و پایداری در تأمین و مدیریت آب موردنیاز اراضی کشاورزی و با هدف حفظ و بهبود وضعیت موجود بستر رودخانه و ایستگاه‌های پمپاژ و تأمین معیشت مردم که وابسته به تولید محصول استراتژیک برنج است، احداث گردیده یا در دست احداث می‌باشند. با توجه به اینکه سدهای لاستیکی استان گیلان در مناطق سنتی آبخور اجرا شده‌اند و هیچ‌گونه درآمدی از احداث آنها حاصل نشده است، آب‌بندان‌های استان گیلان نیز در بهترین شرایط مدیریت تناوبی آبیاری قادر به تأمین کمتر از ۲۰۰ میلیون مترمکعب آب کشاورزی هستند درحالی‌که نیاز شالی‌کاری استان بیش از دوونیم میلیارد مترمکعب می‌باشد؛ لذا علاوه بر لزوم احیای آب‌بندان‌های موجود که در دست اقدام نیز قرار دارد، نیاز به سایر منابع ازجمله سدهای کوتاه (بندهای لاستیکی) در مدیریت منابع آب اجتناب‌ناپذیر است.در پاسخ به اظهارات منصور سمایی، عضو شورای عالی جنگل لازم به توضیح است که بندهای لاستیکی هیچ‌گونه تداخلی با جنگل‌ها به‌ویژه جنگل‌های هیرکانی نداشته و به‌طورکامل در بستر رودخانه احداث شده و دارای کانال‌های ماهی‌رو مطابق با استانداردهای زیست‌محیطی می‌باشند. در احداث این سدها هیچ‌گونه تعرضی به اراضی ملی صورت نپذیرفته و دریاچه آنها نیز در محدوده بستر و حریم رودخانه واقع شده است.پیرامون تخصیص بودجه، هرگونه اقدام فنی و مالی ازجمله تأمین اعتبار و تخصیص بودجه در طرح هفت سد لاستیکی پس از طی فرایند مربوطه و از مجاری قانونی کشور صورت پذیرفته است.در پاسخ به اظهارنظر انجام‌شده درمورد نیاز به شفافیت پروژه‌ها، لازم به توضیح است که کلیه سدهای لاستیکی استان بر اساس نیاز و شرایط مناطق، تقاضاهای متعدد مردمی، پیگیری نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی، ائمه جمعه، فرمانداران و... پس از طی فرایند مطالعات و اخذ مجوزهای لازم و با در نظر گرفتن اولویت‌های استان وارد مرحله اجرا گردیدند. به همین دلیل نیز این سدها جزء مصوبات سفر ریاست محترم جمهور به استان گیلان بوده و تسریع در اجرای آنها مورد تأکید قرار گرفته است.در پاسخ به پیشگیری از ورود آب به دریای خزر، اجرای سدهای لاستیکی موجب خروج آب از حوضه دریای خزر نشده و آب در مسیر طبیعی رودخانه جریان یافته و وارد تالاب‌ها و دریای خزر می‌گردد.یکی از مزایای سدهای لاستیکی ایجاد امکان برای پرورش آبزیان است. همچنین امکان ایجاد ظرفیت گردشگری با احداث این سازه‌ها افزایش خواهد یافت که این امر نیز به ایجاد ارزش‌افزوده کمک خواهد نمود. لازم به توضیح است در پاسخ به این موضوع که صنعت شیلات ارزش‌افزوده بیشتری نسبت به زراعت دارد، باید عنوان نمود که آب منطقه‌ای گیلان در زمینه تأمین آب موردنیاز شیلات تاکنون مشکل خاصی نداشته است. به دلیل عدم وجود سازه‌های تنظیم آب در بیشتر نقاط استان گیلان کشاورزان به‌صورت سنتی با احداث سدهای خاکی به اصطلاح خال سه‌پایه (با چوب و گونی) مقاطع رودخانه را در نقاط متعدد مسدود و مانع از جابه‌جایی آبزیان به بالادست می‌گردند؛ درحالی‌که در احداث سدهای لاستیکی احداث‌شده پلکان ماهی‌رو طبق استانداردهای لازم تعبیه و فرایند مهاجرت آبزیان تسهیل می‌گردد و با ایجاد آرامش در مسیر آب از میزان گل‌ولای جریان نیز کاسته خواهد شد.احداث سدهای لاستیکی نه‌تنها موجب مدیریت مصرف آب می‌شود بلکه این امر در راستای ایجاد امنیت شغلی برای استانی است که عمده ساکنان آن شغل شریف کشاورزی را دنبال می‌نمایند.

در پایان تأکید می‌نماید که شفاف‌سازی در اجرای هر پروژه عمرانی از خواسته‌های کارشناسان صنعت آب کشور است و انتظار می‌رود در مباحث تخصصی بخش آب اظهارنظر متولیان امر نیز مدنظر قرار گیرد.

بازتاب

وزارت کشور پیشگام در انتشار اطلاعات

• نظر به درج گزارش خبری در روزنامه شرق با تیتر «غایبان لیست شفافیت» که مدعی بررسی عملکرد دستگاه‌های کشور در قبال قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات شده و با توجه به احتمال برداشت سوء از گزارش مذکور، نکات ذیل به اطلاع خوانندگان محترم می‌رسد.۱- خبر منتشرشده در روزنامه شرق بدون هرگونه مذاکره و یا اطلاع قبلی کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات بوده است.۲- طبق اظهارات کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، وزارت کشور همواره به‌عنوان دستگاه پیشگام از بدو عضوی، فعالیت و همکاری لازم را با کمیسیون مربوطه داشته و در چند نوبت پیاپی نیز به‌عنوان دستگاه برتر از حیث پاسخ‌گویی مورد تشویق کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات قرار گرفته است.۳- شاخص تعداد شکایات یک عدد کمی است که تنها بیانگر کمیت موردنظر می‌باشد و با توجه به وسعت و گستردگی حیطه فعالیت‌های وزارت کشور از جهت موضوعات مربوطه، لذا این مورد شاخص مناسبی برای ارزیابی عملکرد این وزارتخانه نمی‌باشد و تعداد شکایات باید در مقایسه با سایر آیتم‌ها سنجیده شود. کمااینکه شکایات صورت‌گرفته صرفا به معنی نارضایتی شهروندان از پاسخ داده‌شده نمی‌باشد و در بسیاری از مواقع به دلایل دیگری از جمله پیگیری پاسخ، عدم اطلاع شهروند از اطلاعات و... می‌باشد. ۴- لذا به نظر می‌رسد خبرنگار آن روزنامه تحلیل خود از وضعیت دستگاه‌ها و پاسخ‌گویی آنها در سامانه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات را محدود به برداشت اطلاعات از پرتال خبری این سامانه داشته و فارغ از هرگونه تحلیل کیفی تنها به انعکاس مقادیر عددی و کمی نموده است که موجب بدبینی شهروندان و کاربران این سامانه از عملکرد دستگاه بدون علم بر عملکرد واقعی و کیفی وزارت کشور خواهد شد.۵- کمااینکه رضایت کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به‌عنوان متولی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات از عملکرد وزارت کشور به‌عنوان الگوی سایر دستگاه‌های عضو همچنان مشهود می‌باشد.

لطفا در راستای تنویر افکار عمومی و اطلاع‌رسانی صحیح به مخاطبین نسبت به انتشار این جوابیه با کم‌وکیف مناسب اقدام شود.

پاسخ «شرق»

جوابیه روابط عمومی وزارت کشور از برخی جهات عجیب است. این نکته که ایشان معتقد است خبرنگاران پیش از تهیه گزارش باید با متولی آن سوژه «مذاکره» کنند، نشان‌دهنده عدم اطلاع کامل ایشان از بایدهای حرفه‌ای خبرنگاران است. خبرنگاران ممکن است برای تهیه گزارش خود از دستگاه‌های مختلف کشور درخواست اطلاعات کنند؛ اما «مذاکره» و «اطلاع قبلی» جایی در روند تهیه یک گزارش حرفه‌ای ندارد و چه‌بسا باعث فساد و اختلال در عملکرد حرفه‌ای خبرنگاران شود؛ به‌خصوص آنکه کمیسیون مربوطه، خود جزئی از قوه مجریه است و در نهایت نمی‌توان به «قضاوت کیفی» آن به‌عنوان مرجعی بی‌طرف درباره خود قوه مجریه اعتماد کامل داشت. بنابراین لاجرم باید به گزارش‌های کمی و اعداد و ارقام اعتنا کرد. در همین‌جاست که نکته دوم جوابیه آشکار می‌شود. در این جوابیه به‌درستی ذکر شده است که «شاخص تعداد شکایات یک عدد کمی است که... شاخص مناسبی برای ارزیابی عملکرد نمی‌باشد»؛ اما نکته اینجاست که در گزارش «شرق» هیچ سخنی از «شاخص تعداد شکایات» وجود ندارد و آنچه خبرنگار روزنامه «شرق» بررسی کرده است، «شاخص درصد شکایات از پاسخ‌های ثبت‌شده» است که از اساس با شاخصی که روابط‌عمومی وزارت کشور آن را کافی نمی‌داند، متفاوت است. اتفاقا شاخص درصد شکایات از پاسخ‌های ثبت‌شده می‌تواند عیار خوبی برای مقایسه عملکرد دستگاه‌های گوناگون کشور باشد و صرف «پیگیری پاسخ و عدم اطلاع شهروندان از اطلاعات» نمی‌تواند توجیه‌کننده شکایات از پاسخ‌های وزارت کشور باشد؛ زیرا اگر شهروندان را بی‌اطلاع یا پیگیر بدانیم، هیچ تحقیق علمی‌ای وجود ندارد که نشان داده باشد شهروندان ایرانی نسبت به عملکرد وزارت کشور بی‌اطلاع‌تر یا پیگیرتر از عملکرد دیگر دستگاه‌ها باشند! به همین دلیل مطابق گزارش منتشرشده از سوی سامانه شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات، وزارت کشور با ثبت ۸۶ شکایت از ۳۴۷ پاسخ ارائه‌شده به شهروندان، یعنی با ۲۵ درصد شکایت نسبت به کل پاسخ‌های ارائه‌شده، در کنار وزارت بهداشت، استانداری‌های گلستان، هرمزگان، کرمان و اصفهان، شرکت مدیریت منابع آب ایران، بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری، شرکت ملی گاز و شهرداری رشت، یکی از ۱۰ دستگاه‌هایی بوده است که بیشترین شکایت را برای پاسخ‌هایش دریافت کرده است. از سوی دیگر، طبق اطلاعات منتشرشده از سوی سامانه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، از میان ۱۳۶ شهروندی که در این سامانه به سؤالی درباره کیفیت پاسخ وزارت کشور جواب داده‌اند، فقط ۳۴ درصد از پاسخ دریافت‌شده اعلام رضایت کرده‌اند و ۲۱ درصد پاسخ را کافی ندانسته و ۴۴ درصد نیز پاسخ ارائه‌شده را بی‌ارتباط با سؤال خود اعلام کرده‌اند. به‌این‌ترتیب وزارت کشور در میان ۱۰ دستگاه با «بالاترین درصد ارائه پاسخ‌های بی‌ارتباط با سؤال» از نظر شهروندان پرسشگر در این سامانه نیز قرار دارد. البته نفس حضور وزارت کشور در این سامانه، شایسته تشکر است و همان‌طور که از تیتر این گزارش نیز پیداست، انتقاد اصلی خبرنگار در این گزارش متوجه دستگاه‌هایی است که به سامانه یادشده نپیوسته‌اند.